

## بررسی فقهی از لزوم اذن زوج در خصوص جراحی‌های زیبایی زوجه

عاطفه عظیمی وحید<sup>۱</sup>

فاطمه فلاح تفتی<sup>۲</sup>

### چکیده

عقد نکاح به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظام خانواده، مانند عقود دیگر برای طرفین، تعهداتی به وجود می‌آورد. یکی از مسائل چالش‌برانگیز در این حیطه، مشروعیت اعمال زیبایی بدون اذن زوج می‌باشد. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی حدود و ثغور اذن زوج در جراحی زیبایی را بررسی کرده و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که آیا عقد نکاح سبب می‌شود زوجه هیچ‌گونه مالکیتی بر جسم خویش نداشته باشد؟ و یا زوجه برای هرگونه تصرف در جسم خویش باید از زوج، اذن بگیرد؟ این تحقیق، مطالعه‌ای بر اساس فقه کلان نظام خانواده است و یافته‌های آن نشان می‌دهد تأمل در برخی فواید جراحی زیبایی که در ترمیم و اصلاح معایب جسمانی و ظاهری انجام می‌گیرد و همچنین بررسی نظرات فقهای معاصر درباره جواز عمل‌های جراحی به‌قصد زیباسازی، تردیدهای اساسی درباره مشروعیت جراحی زیبایی را برطرف می‌نماید. براین اساس نمی‌توان در فقه نظام خانواده به لزوم اذن زوج به طور مطلق دست‌یافت، بلکه لزوم اذن در فقه نظام خانواده تنها در حیطه مصالح خانوادگی است.

**کلیدواژه‌ها:** اذن زوج، عمل‌های جراحی زیبایی، نظام خانواده، مصلحت خانواده.

۱. کارشناسی ارشد دانشکده رفاه. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه فقه دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی.

## مقدمه

در دنیای امروز ظهور تکنولوژی جدید امکانات نوینی را پیش روی انسان قرار داده است که از طریق این شیوه‌ها مصادیق متعددی از تصرف در وضعیت فیزیکی برای انسان ایجاد شده است. یکی از این تصرفات انجام جراحی‌های زیبایی است. پس از شکل‌گیری نظام خانواده حقوق متقابلی بین زوجین ایجاد می‌شود که نوع تکلیف هر یک از زوجین، نقشی تعیین‌کننده در بقا و سرنوشت نظام خانواده دارد. فقه نظام خانواده از اقسام فقه نظام بوده که فقهی کل‌نگر و نظام‌مند است. هر یک از حقوق و تکالیف خانواده، مجزا از طرف دیگر و حتی جامعه نیست و افراد در خانواده بخشی از یک اجتماع کوچک و جزئی از اجتماع بزرگ‌تر که جامعه و حکومت است، می‌باشند. در این نوع نگاه ابعاد و احکام ناظر به خانواده، در مصالح خانواده به نحو جمعی تعریف می‌شود. از سوی دیگر در نظام خانواده، ریاست از وظایف مرد شمرده شده است و زوج باید در راستای موازین اخلاقی و شرعی، در نظام خانواده، امرونهی نماید، بنابراین در نظام خانواده، زوج از حق اذن برخوردار است و زوجه برای انجام جراحی‌های زیبایی باید از وی اذن بگیرد. در دیگر مراکز درمانی نیز زوجه برای انجام هرگونه جراحی باید از زوج رضایت بگیرد و بدون اذن زوج، هیچ اقدامی انجام نخواهد شد.

امروز با اوج حملات و شبهه‌افکنی درباره احکام اسلامی از سوی مدعیان دفاع از حقوق بشر و حقوق زن مواجه هستیم و موضوع ریاست مرد در نظام خانواده و حق اذن وی در جراحی‌های زوجه نیز یکی از مباحث مورد تردید و ایراد می‌باشد. کج‌فهمی و تفسیر نادرست آیات و روایات نیز بر وسعت این شبهات می‌افزاید و بیم آن می‌رود که در اعتقادات بانوان خدشه کرده و به تبع آن موجب سستی و تزلزل در پایه‌های خانواده‌ها گردد. از سویی بسیاری از مشکلات و مسائل حل‌نشده جامعه ناشی از مشکلات خانواده بوده و از سوی دیگر در تعالیم اسلام، نهاد خانواده همواره محل تأکید بوده است، بنابراین لازم است نسبت به بررسی جامع مسائل و مشکلات مرتبط با این نهاد پایه و مهم اجتماعی اهتمام ویژه صورت گیرد. بر همین اساس، اذن زوج در انجام عمل‌های زیبایی یکی از میاحثی است که باید در فقه نظام خانواده بررسی شود تا افزون بر پاسخ به شبهات، زنان و مردان جامعه را از حقوق و تکالیف خود آگاه کند، امری که در تداوم

حیات نظام خانواده، نقشی مؤثر دارد.

چیزی که موجب استحکام خانواده می‌شود، پابندی زن و شوهر به حقوق و تکالیف‌شان، بر پایهٔ شئون اخلاقی - فقهی است. دربارهٔ پیشینه این تحقیق می‌توان گفت، پایان‌نامه‌ای در خصوص اختیارات زوجه در تصرف بر جسم خویش در فقه امامیه و حقوق ایران به تألیف مهسا رحمانیان کوشکی در سال ۱۳۹۵ نگاشته شده است که نویسنده با آوردن ادله، صرفاً مشروعیت جراحی زیبایی و اجتناب یک‌طرفهٔ زوجه از انجام اعمال زناشویی و فرزندآوری را بررسی کرده است. مقاله‌ای نیز در با عنوان «مطالعهٔ فقهی - حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زوجه» به تألیف حمیدرضا صالحی و نرگس باقری مطلق در سال ۱۳۹۶ نگاشته شده است که در آن، اذن زوج در امور پزشکی زوجه، ولایت زوج بر زوجه و هزینه درمان زوجه بحث و بررسی شده است. هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به مسئلهٔ حق اذن زوج در جراحی‌های زیبایی زوجه در نظام خانواده نمی‌پردازد؛ از این جهت پژوهش حاضر جدید و نوآور خواهد بود.

این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی و شیوهٔ کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: آیا ریاست زوج در خانواده سبب لزوم اذن در عمل‌های زیبایی می‌شود و در صورت لزوم اذن، محدودهٔ آن چیست؟ مبنای فقهی و حقوقی قائلین به چنین اقتداری چیست؟ آیا اذن زوج در جراحی زیبایی زوجه در تعارض با اصل آزادی اراده‌ها است؟ و اذن زوج در کدام قسمت از ابعاد منظومه نظام خانواده می‌گنجد؟

در پژوهش پیش‌رو، ابتدا به مفهوم‌شناسی اذن و فقه نظام خانواده پرداخته شده، سپس نظریات فقها اقامه گردیده و در ادامه محدودهٔ ریاست زوج و نیز اذن وی در فقه نظام خانواده در انجام جراحی‌های زیبایی زوجه بررسی می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

شناخت مفاهیم کلیدی و پایه‌ای هر مقاله‌ای سبب عمق‌بخشی به مطالب و جلوگیری از فهم نادرست و برداشت‌های نامناسب از یک واژه یا اصطلاح می‌شود. از این رو لازم است در این نوشتار نیز ابتدا مفاهیم اصلی تبیین شود.

## ۱-۱. اذن

واژه اذن در اصل به معنای اعلام بوده و در اثر کثرت استعمال در معنای اعلام رضایت و رخصت نیز به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲). و ایذان به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱: ۱۶) در تفاوت اذن و رضایت می‌توان گفت: رضایت، ملایمت نفس با شیء بدون اظهار بوده، ولی اذن، اعلام رضایت و عدم مانع است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۹/۳۹). از سخنان برخی استفاده می‌شود که اذن، اعلام رخصت و رضایت پیش از تصرف و عمل است و اجازه، ابراز رضایت پس از عمل می‌باشد (غروی اصفهانی، ۱۴۰۸: ۱۲۴؛ خمینی، ۲: ۱۳۶۳/۱۰۴). در حقوق موضوعه، تعریف مشخصی از اذن ارائه نگردیده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۷۸). در برخی مواقع اذن در معنای واقعه حقوقی به کار می‌رود و صرفاً مانع را رفع می‌نماید، گاهی نیز در معنای ایقاع که در آن، اراده یک نفر دخیل است، استفاده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۳۷۷). حاصل آنکه با بررسی‌های انجام گرفته می‌توان گفت اذن، عمل حقوقی از نوع ایقاع است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱۸۴/۲؛ امام خمینی، ۱۳۶۳: ۲۳۹) که از مآذون رفع مانع از تصرف نموده (زینعلی، [بی‌تا]: ۲۳/۵) و اذن‌دهنده، رضایت خود را اعلام می‌کند (غروی اصفهانی، ۱۴۰۸: ۱۳۱/۱) و در عین حال قابل رجوع است (حسینی، ۱۴۱۷: ۳۷/۲).

## ۱-۲. فقه خانواده

فقه در یک تقسیم‌بندی به دو قسم فقه خرد و فقه کلان تقسیم می‌شود؛ فقه خرد یا خصوصی درباره تعیین تکلیف مکلف به عنوان فرد مستقل است و فقه کل نگر یا کلان، فقهی است که در آن فقیه، شبکه مسائل فقهی و حقوقی را کنار ساختارهای معرفتی و فرهنگی در مقیاس جمعی تحلیل می‌کند (نهادندی، ۱۳۹۸: ۵۲/۱). براین اساس فقه خانواده به عنوان نظامی که میان عناصر آن کنش و واکنش برقرار است و مجموعه‌ای از اهداف معین را دنبال می‌کند و میان این اهداف نیز ارتباط برقرار است (ر.ک. عالم، ۱۳۸۳: ۱۴۹) در دایره فقه کلان قرار می‌گیرد. در این فقه، اراده جمعی مطرح است که فعل و رفتار جمعی شخصیت خانواده را شکل می‌دهد. در فقه کل نگر ارتباط تنظیم شده‌ای برای ایجاد برابری در جهت یک هدف معین میان اجزای فقه شکل

می‌گیرد که فقیه با کنار هم قراردادن شبکه مسائل فقهی و حقوقی خانواده کنار ساختارهای عاطفی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن، احکام را در مقیاس جمعی تحلیل کرده و در فرایند اجتهاد قرار می‌دهد.

### ۱-۳. جراحی زیبایی

اصطلاح جراحی پلاستیک یا زیبایی می‌تواند جامع میان انواع جراحی‌های زیبایی و ترمیمی باشد (گوبر، چنگوکوشل ۱۳۹۱: ۵). رشته جراحی پلاستیک بر بازسازی شکل و عملکرد کسانی که بدشکلی‌های مادرزادی و اکتسابی دارند، متمرکز است (برانی کاردی، ۱۳۸۹: ۶۶). عمل‌های جراحی زیبایی به دودسته تقسیم می‌شود:

الف. عمل‌های جراحی زیبایی ضروری که برای درمان و ترمیم انجام می‌شود؛ مثلاً در حوادث طبیعی یا سوانح و صدمات جرحی که بدن شکل ظاهری خود را از دست می‌دهد و فرد حادثه‌دیده جهت ترمیم به جراح زیبایی مراجعه می‌کند (شجاع پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۹). سالانه افراد زیادی که به زخم‌های صعب‌العلاج و تومورهای بدخیم و خوش‌خیم، سوختگی و غیره مبتلا هستند، توسط جراحان ترمیمی و پلاستیک درمان می‌شوند.

ب. عمل‌های جراحی زیبایی غیرضروری که هدف در آن‌ها درمان نیست و صرفاً بحث زیبایی مطرح است؛ مانند جراحی زیبایی بینی، کاشت ابرو، مژه، سفیدکردن پوست، گذاشتن گونه، ازبین‌بردن چروک صورت و غیره (صالحی، باقری، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

### ۲. دیدگاه فقها درباره اذن زوج در عمل‌های زیبایی

با مراجعه به فتاوا و استفتائات مراجع در خصوص پرسش مطرح‌شده (سایت آیت‌ا... نوری همدانی، ۱۳۹۸/۹/۳؛ سایت آیت‌الله تبریزی، ۱۳۹۸/۹/۳؛ سایت آیت‌الله سیستانی، ۱۳۹۹/۶/۱۰؛ خویی، ۱۴۱۶، ۱: ۳۶۳؛ همان، ۲: ۱۰۵) می‌توان دریافت که نفس انجام عمل‌های زیبایی نیازی به اذن از جانب همسر ندارد و تنها مانع، بحث خروج از منزل برای انجام این عمل‌هاست که زوج باید اذن همسر را داشته باشد. البته برخی مراجع آن را مقید به ضرر نداشتن و به‌وجودنیامدن اختلاف زناشویی کرده‌اند (سایت آیت‌الله مکارم، ۱۳۹۹/۶/۱۰).

### ۳. بررسی اذن زوج در جراحی زیبایی در فقه نظام خانواده

بحث و چالش فقهی این است که آیا برای جراحی زیبایی به اذن زوج نیاز است یا خیر؟ این مسئله با دو بحث فقهی مترتب بر هم ارتباط دارد:

۱. بررسی فقهی در خصوص اذن زوج در خروج زوجه از منزل چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟
۲. حدود اطاعت از زوج به چه میزان است؟

گفتنی است اصل اولی در باب ولایت و تسلط زوج بر زوجه و به‌طور کلی انسانی بر انسان دیگر، عدم ولایت است که فقها آشکارا به آن اشاره کرده‌اند و به‌مثابه یک اصل کلی فقهی، با عنوان «أصالة عدم ولاية شخص علی غیره» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۵) تعبیر مورد استناد قرار داده‌اند. بر اساس این قاعده، تنها در مواردی که دلیل شرعی معینی بر جواز تصرف و تسلط بر شخصی یا مالی وجود داشته باشد، اعمال ولایت و تصرف ثابت می‌شود و در غیر این موارد، تصرف، جایز نیست. حال با در نظر گرفتن این اصل، می‌توان گفت به‌طور کلی در باب اذن خروج زوج سه نظریه مطرح شده است:

الف: حرمت خروج به‌صورت مطلق: در این نظریه زوجه به‌طور مطلق نمی‌تواند بدون اذن زوج از منزل خارج شود و خروج بدون اذن زوج موجب ناشزه شدن زوجه می‌گردد. فقهای متعددی این نظر را پذیرفته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۲۹۴؛ حلی، ۱۳۷۸: ۴۰/۲؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۳۰۶/۲) از جمله صاحب ریاض می‌نویسد: «اگر زن بدون اذن شوهر منزل را ترک کند و از اطاعت شوهر خارج شود، ناشزه به‌شمار می‌آید و نفقه‌اش ساقط می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۷: ۲۵۷).

ب: حرمت خروج در صورت تنافی با حق استمتاع: براساس این نظریه اذن شوهر فقط در حدود حق او در استمتاع است (شبیری زنجانی، ۱۳۸۱: ۳۶/۱۰-۳۴؛ تبریزی، ۱۳۷۸: مسئله ۱۴۶۰). مرحوم خوبی بیان می‌کند که اگر خروج با حق استمتاع منافات داشته باشد، حرام است و در غیر این صورت خروج بدون اذن به‌طور مطلق حرام نیست (خوبی، ۱۴۸۱: ۱۰۰/۲)؛ زیرا اقتناع و ارضای جنسی جایگاهی ویژه در نظام خانواده دارد و همسران با برطرف ساختن آن آرامشی به دست می‌آورند که اگرچه از ناحیه جنسی حاصل می‌شود، اما نشاط و سبک‌بالی

ناشی از آن جسم و روان‌شان را دربرمی‌گیرد. باید به این واقعیت اشاره کرد که موفقیت در ارضای نیاز جنسی بهانه‌گیری‌های بی‌دلیل زوجین از یکدیگر را کاهش می‌دهد و از بزرگ شدن مسائل حاشیه‌ای زندگی جلوگیری می‌کند و موجب رضایت عمومی در نظام خانواده می‌شود. افزون بر آن، زن و شوهر می‌توانند با انجام وظایف و تکالیف زناشویی در قبال یکدیگر، خود را از فساد و فحشا دور کنند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۴/۲).

ج: حرمت خروج با در نظر گرفتن مصالح خانوادگی (نظریه مبتنی بر فقه نظام خانواده):  
محمد مهدی شمس‌الدین می‌گوید:

باید به این نکته توجه داشت که اذن زوج در خروج از منزل تنها از باب تمکین نیست، بلکه تعیین ریاست زوج در منزل است؛ زیرا او مسئول حفظ حرمت و مصلحت خانواده است و این حق زوج است بر اساس وظیفه‌ای که دارد رفت‌وآمدهای همسرش را تحت نظر داشته باشد و حتی محدودیت‌هایی را برای او در نظر بگیرد (شمس‌الدین، ۱۹۹۶: ۹۵).

برخی از نویسندگان حقوق معاصر با درک این مطلب بیان می‌کنند زوج برای اینکه بتواند خانواده را حفظ کند این حق را دارد که معاشرت‌ها و رفت‌وآمدهای زوجه را تحت نظر بگیرد و او را از رفتارهای ناشایستی که سبب از بین رفتن سلامت خانواده می‌شود، بازدارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۲۹/۱)

با وجود دیدگاه‌های پیش‌گفته، مواردی وجود دارد که فقها درباره آن‌ها هیچ‌گونه اختلافی ندارند؛ از جمله اینکه در نظام حقوقی اسلام در صورتی که خروج زوجه از منزل برای انجام عمل‌های زیبایی، موجب تضعیف رابطه زوجه و همسرش شود و با حقی از حقوق زوج منافات داشته و مخالف مصالح خانوادگی باشد، از منظر شرع، مطرود است. همچنین در تمام موارد ضروری درمانی، اگر زوج بدون هیچ‌عذر موجهی مخالفت کند، از موارد سوءاستفاده از حق تلقی شده و حق اذن از وی ساقط می‌شود و زوجه دیگر نیازی به اذن زوج ندارد. (اصل ۴۰ قانون اساسی) به‌عنوان مثال اگر زوجه بنا به دلایلی دچار قطع عضو شود و زوج مانع از جراحی زوجه در مسیر بازگشت به زندگی عادی و جدید وی گردد، خلاف اخلاقیات عمل کرده و حق اذن از

وی سلب می‌شود. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوج و زوجه را مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر کرده است. زن و شوهر برای این که بتوانند در نظام خانواده کنار یکدیگر به آرامش برسند، باید معاشرت کرده و اخلاقی مقبول داشته باشند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۴۵۶) و هر رفتاری که ناشی از سوء اخلاق باشد، از موارد سوء معاشرت است (امامی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

به منظور بررسی فقهی نظرات پیش گفته باید توجه داشت که این مطالعه بستگی تامی به پاسخ سؤال دوم (حدود اطاعت زوج) دارد. از این رو مهم‌ترین مسئله‌ای که باید به آن پرداخته شود، عنصر قوامیت مرد است که به آیه ۳۴ سوره نساء مستند است.

#### ۴. نسبت اذن با قوامیت

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و مانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست داشته باشد. در فقه نظام خانواده، ریاست (قوامیت) از خصایص زوج دانسته شده است. قوامیت زوج بر زوجه را می‌توان از آیه ۳۴ سوره نساء دریافت که خداوند می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض»

در قاموس قرآن از «قوام» به معنای بهترین و کامل‌ترین قیام‌کننده تعبیر شده است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۱/۶) قوام در معنای استقامت و پایداری در انجام امور و تکیه‌گاه، ستون، پایه و اساس نیز به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۰/۳) دو نظر درباره قوامیت زوج در نظام خانواده مطرح است: ۱. قوامیت زوج در نظام خانواده مطلق و نامحدود است، در نتیجه باید برای هر چیزی هرچند کوچک و غیرمنافی با مصالح خانواده، از زوج اذن گرفت؛ ۲. قوامیت زوج در نظام خانواده به حق او در مصالح خانوادگی محدود است.

#### ۴-۱. قوامیت نامحدود یا مطلق زوج

مرحوم آلوسی در روح المعانی می‌نویسد: «همان گونه که والیان بر رعیت به امر و نهی قیام دارند، در زندگی مشترک، مردان هم بر زنان قیام دارند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳/۵). این زیادتیی که خداوند به آنها داده به خاطر طاقتی است که بر اعمال دشوار دارند و خداوند به خاطر مصالحی برخی را بر بعضی برتری داده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۵۹/۱). این برتری عبارت است از



عقل، دیه، ارث، شایستگی برای امامت، قضاوت و شهادت و غیره که هیچ کدام از این امور برای زنان نه مشروع است و نه نافذ (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۴۳/۴)، بنابراین حکم قوامیت، عمومیت دارد؛ زیرا علت حکم که مردان هستند بر زنان برتری دارند، در نتیجه معلول آن یعنی خود حکم نیز عمومیت دارد و زنان نه داخل خانه و نه بیرون آن نمی‌توانند بر مردان هیچ گونه تسلط و ولایتی داشته باشند (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۴۴/۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۰۷/۴). در نتیجه اذن زوج در جراحی‌های زیبایی درمانی یا فانتزی زوجه، لازم و ضروری و این بر اساس قیومیت مطلق زوج در نظام خانواده است. نقدی که بر ولایت مطلق زوج در نظام خانواده مطرح شده به شرح ذیل می‌باشد:

قوامیت مرد بر زنش به این معنا نیست که آزادی و اختیار او را سلب نماید و در آنچه مالک آن است، تصرف کند، به نحوی که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و دفاع از منافعش سلب کند، بلکه به معنای پرداخت هزینه‌های زندگی و هر چیزی که متعلق به حق شوهر است، می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۰۸/۴). قوامیت در این آیه شریفه به معنای سلطه و تسلط مرد بر زن نیست (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۹۱/۱). بنابراین هر فرد عاقل و رشید می‌تواند به تنهایی جراحی کند و به اذن شخص دیگری نیاز ندارد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶/۹).

این نکته با بررسی دقیق واژه قوام قابل اثبات است. زیرا قوام هم به معنای قیام و اشراف بر مال یا امری، محافظت کردن و رعایت مصالح فرد بیان شده (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۳۰/۲) و هم به معنای رسیدگی به امور، پرداخت هزینه و مخارج و رفع نیازهای کسی یا چیزی آمده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۰۲۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۹۷/۱۲) حال اگر معنای اول از قوام در آیه مدنظر باشد به معنای آن است که مرد سلطه بر زن داشته و قدرت تصمیم‌گیری در مورد شئون وی را دارد، اما اگر معنای دوم از قوام مدنظر باشد دیگر بحث سلطه و تصمیم‌گیری در شئون مختلف زن مطرح نیست؛ بلکه تنها تکلیف و وظیفه تأمین نیازها در آن دیده می‌شود. وقتی به آیات قرآنی و روایات و سخنان عرب‌زبانان در قرون اولیه مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که معنای دوم مدنظر است (ر.ک. مجلسی، ۱۳۱۵: ۵۱/۲۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۹۰/۷؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۴۴۷/۱۳) آقای بجنوردی در این زمینه می‌نویسد شما از هر عربی که ذهنیت ندارد، معنای این

آیه را بپرسید می‌گوید «ای یقیمون بامور النساء فی امور انفاقهم و معاشهم» مردان به کارهای زنان در امر نفقه و تأمین معاش می‌پردازند.» افزون بر آنکه تعلیل و بما انفقوا من اموالهم که در آیه آمده است این نکته را تأکید می‌کند (مه‌ریزی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

## ۲-۴. قوامیت محدود زوج در فقه نظام خانواده

این نظریه بیانگر آن است که قوامیت (ریاست) مرد در نظام خانواده نشان از برتری او نیست، بلکه وظیفه و مسئولیتی است که در واقع روح قوام بودن مرد را می‌رساند. مرد نمی‌تواند به‌منظور قدرت‌نمایی از حق خویش سوءاستفاده کند، بلکه زمانی می‌تواند از این حق استفاده نماید که رفتار زوجه در نظام خانواده به گونه‌ای باشد که موجب مفساد اخلاقی یا اختلال در زندگی و پرورش فرزندان یا تضییع حق واجب او باشد. در نتیجه، ریاست زوج در نظام خانواده به مصالح خانوادگی محدود است. در واقع تشریح حکم بدین منظور بوده که مرد قادر باشد به وظیفه خود در سرپرستی خانواده و مراقبت و صیانت از زن و فرزندان عمل نماید.

بنا بر آنکه هر جمعی به مدیر نیاز دارد، در امور خانواده این مدیریت و مسئولیت را قرآن آشکارا به مردان واگذار کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء / ۳۴)، ولی در قرآن کریم هیچ‌گاه بیان نشده که زن تحت فرمان مرد است، بلکه براساس آیات قرآن مرد وظیفه سرپرستی زن و خانواده را بر اساس مصلحت بر عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۳۲۶). بنابراین آیه «الرجال قوامون علی النساء» بیانگر رهبری و سرپرستی واحد و منظم در نظام خانواده است که باید با توجه به مصالح خانوادگی و مشورت انجام شود، نه با استبداد و سلطه نسبت به زنان (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳/۳۷۰). همان‌طور که بیان شد ریاست مرد در نظام خانواده جهت حفظ مصالح خانواده است؛ از این‌رو مرد می‌تواند زن را از کارهایی که با مصلحت خانواده سازگار نباشد، منع نماید و زنان با حفظ این اقتدار می‌توانند به آنان در پایداری خانواده یاری برسانند. شوهران باید ریاست بر خانواده را امتیازی حقوقی و فرصتی برای ارتقای مادی و معنوی خانواده بشمارند (همان: ۵۱).

افزون بر آیه قوامیت که توضیحش گذشت، مؤید این نظریه، آیات متعدد قرآنی دیگری است که ذیل دلالت هر یک نیز بررسی می‌شود:

#### ۴-۲-۱. آیه معاشرت به معروف

خداوند در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء یکی از وظایف مؤمنان در قبال همسرشان را (وعاشروهن بالمعروف)؛ یعنی معاشرت به معروف می‌داند. معروف در لغت به معنای هر چیز خیری است که نفس به آن شناخت پیدا نماید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹: ۲۳۹) و همچنین به معنای فعل و قول پسندیده و نیکو آمده است (همان: ۲۳۹-۲۳۸) که این خیر، آرامش و سکون را در پی دارد (ابن فارس، ۱۴۱۴: ۶/۲۸۱). درباره معنای اصطلاحی معروف، مفسران و فقها نظرات متفاوتی بیان داشته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۳: ۳/۳۵؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/۲۵۶-۲۵۵) اما نکته مشترک این است که همه بنابر شرایط و احوالات زمانی و مکانی خود به مصادیقی از معروف اشاره کرده‌اند، به همین دلیل علامه طباطبایی در این خصوص معتقدند معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با ذائقه‌هایی که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴/۲۵۶-۲۵۵). در روایات نیز مصادیق مختلفی از معروف بیان شده است از جمله مدارا کردن، محبت کردن، خوش اخلاقی کردن با همسر، پیراستن ظاهر (مجلسی، ۱۳۵۵: ۷۸/۲۳۶)، سازگاری با همسر و معاشرت نیکو با او (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰/۱۷۱). برای تعیین مفهوم معروف باید به عرف مراجعه نمود. چه بسا معاشرتی که با یک نفر با توجه به موقعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی او حُسن معاشرت یا معاشرت به معروف باشد، ولی همین معاشرت در مورد شخص دیگر با وضعیت متفاوت، به دیده عرف سوء معاشرت به شمار رود (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲/۷۲).

نکته دیگر اینکه معروف در این آیه نیز یک اصل فقهی است به گونه‌ای که آیه در صدد تشریح یک حکم کلی الزامی و یک ضابطه عام است تا بتوان هم ملاکی برای حقوق و تکالیف زوجین به دست آورد (ر.ک. همان: ۷۵) و هم به یک اصل اخلاقی رسید (اصل اخلاقی که بیان می‌کند توجه هر چند دقیق به حقوق و تکالیف اعضای خانواده بدون رعایت جنبه‌های اخلاقی، نمی‌تواند سعادت خانواده را تأمین و تضمین نماید). حکم فقهی توأم با اخلاقی که می‌توان از آیه برداشت کرد توجه و تأکید به اغماض و گذشت در امور (احمدیه، ۱۳۷۹: ۶۸)، عدم سوء استفاده زوج از حق قوامیت خود و نیز انتخاب بهترین و مناسب‌ترین روش برای عمل

خود است؛ زیرا انتخاب روش‌های تحقیرآمیز، اکتفا به حداقل، تأخیر در عمل به تکلیف و غیره با اصل معروف ناسازگار است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۶/۲). بنابراین معاشرت به معروف که در آیه ۱۹ به آن امر شده و بر وجوب دلالت دارد، بیانگر آن است که مرد باید از هرگونه عملی که این معاشرت نیکو را خدشه‌دار می‌سازد، خودداری کند. پرواضح است که این میسر نیست مگر آنکه مصالح جمعی و خانواده و نه تک‌تک اعضا خانواده مدنظر باشد.

۴-۲-۲. آیه (ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف)

خداوند با آیه (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) در آیه ۲۲۸ سوره مبارکه بقره، بیان می‌کند وظایف و اختیارات زن و شوهر به صورت متقابل است و تماثل حقوق که در این بخش از آیه آمده است، در اصل حق است، نه تساوی یا تجانس در حقوق؛ زیرا از کلمه «مِثْل» چیزی بیش از اثبات اصل حقوق بر نمی‌آید (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۱: ۲۶۱). به بیان دیگر آنجا که زنان ذی‌حق‌اند، مردان مکلف‌اند و آنجا که مردان ذی‌حق‌اند، زنان مکلف‌اند و این نسبت و تقابل و برابری، امری معروف نزد سرشت و فطرت و وجدان سالم و ذهن و فکر انسان‌هاست (مهدی مهریزی، ۱۳۸۸: ۱۱). بر اساس این آیه نیز مردان نمی‌توانند زنان را از کاری که منافاتی با مصالح زندگی جمعی و خانوادگی آنان ندارد منع کنند؛ زیرا هیچ فطرت و وجدان سالمی نمی‌پذیرد که شخصی خودخواهانه و بی‌دلیل، شخص دیگری را دربند و مطیع خود بداند.

- بحث و تطبیق بر مسئله

حال عمل‌های زیبایی‌زوجه یا به‌قصد درمان صورت می‌گیرد یا صرفاً به‌قصد زیبایی که البته عمل‌های دسته اول قطعاً تأثیر بسزایی در زیبایی فرد نیز می‌گذارد. این دسته از عمل‌ها که به‌قصد معالجه و درمان صورت می‌گیرد بدون شک از موارد اتفاقی بین فقهاست که نیازی به اذن زوج ندارد زیرا جزء واجبات عقلی است و مانند انجام واجبات شرعی مثل حج نیازی به اذن زوج ندارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۱۳؛ سیستانی، ۱۴۱۶: ۳/۱۰۴، اصفهانی، گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۳/۲۱۵) و نیز بر اساس اصل ۴۰ قانون اساسی اگر مرد اجازه انجام این گونه عمل‌ها را ندهد مصداق سوءاستفاده از حق خواهد بود.

ضمن آنکه گاهی بیماری جسمی ممکن است منجر به بیماری روانی گردد و پریشانی

روحي نیز می‌تواند سبب انزوا و بروز عوارض جسمی در کالبد انسان شود. گاهی زوجه از عیبی رنج می‌برد و برای سلامت جسمانی و کارکرد جسم و اصلاح نقص شکل مانند عیوب ایجاد شده در نتیجه آتش سوزی به انجام جراحی زیبایی می‌پردازد (حسینی، ۲۰۰۸م: ۴۲-۴۳). بنابراین زوج نمی‌تواند زوجه را از جراحی‌های زیبایی که جنبه درمانی دارد منع نماید.

یکی از اشکالاتی که ممکن است به نتیجه مذکور درباره عدم نیاز به اذن زوج گرفته شود، بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است که بیان می‌کند هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع باید با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان و نماینده قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود و در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست و برخی به استناد این بند از ماده ۱۵۸ اذن همسر را لازم می‌دانند ولی باید گفت اولاً اولیاء از منظر فقه و قانون کاملاً مشخص هستند و شوهر از جمله‌ی اولیا نیست و نیز صرفاً برای شخص صغیر، مجنون و سفیه ولایت اعمال می‌شود (ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی) ثانیاً فردی که عاقل و رشید است می‌تواند به تنهایی اقدام به عمل جراحی کند و نیازی به اذن ولی خاص ندارد (ماده ۱۱۹۳ قانون مدنی، مفید، ۱۴۱۳: ۳۶/۹ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۴۹-۵۰). ثالثاً همان‌طور که قبلاً گفته شد هرگاه شک در تحت ولایت بودن است، اصل عدم ولایت حاکم است و رابعاً در فرضی که بیمار محجور یا هوشیار نباشد یا این که ولی خاص نداشته باشد یا ولی او شناخته نشود یا این که در دسترس نباشد، اذن ولی عام لازم است؛ در اینجا ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند (ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی). در نتیجه، زوج در شمار ولی خاص و عام نیست. زن بودن هیچ‌گاه از اسباب حجب به شمار نیامده و زوج نمی‌تواند حق مالی و غیرمالی زوجه را سلب نماید و زوجه در چهارچوب شرع و قانون می‌تواند بر جان و مال خویش ولایت داشته باشد؛ از این رو هنگامی که زن عقل کامل و رأی استوار داشته باشد در ازدواج و معاملات از قبیل بیع، شراء، تملیک، هبه، قرض، صدقه و سایر تصرفات خود اولویت دارد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶/۹ و مطابق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی).

اصل عدم ولایت زوج در امور مالی بر زوجه که از مسلمات فقهی بوده و آیات صریح

از جمله آیات ۷ و ۳۲ سوره نساء بر آن دلالت دارد و در مورد امور غیرمالی نیز با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در بحث از آیه قوامیت، مراد از بحث ولایت و اطاعت در محدوده ای است که با منافی حقوق شوهر نباشد (خویی، ۱۳۹۱: ۲/۳۹۱؛ طباطبایی، ۱۴۰۲: ۴/۳۴۴؛ اراکی، ۱۱۳: ۲۹۰) ضمن آنکه هرگاه شک شود که آیا در مسئله‌ای شخصی بر زن ولایت دارد، اصل عدم ولایت است که این اصل بنا بر نظر فقها یا یکی از موارد جریان اصل استصحاب است که بر اساس آن، حکم به عدم ولایت می‌شود، مگر آن که ولایت برای شخص خاصی به اثبات رسد (تبریزی، ۱۳۸۹: ۳/۱۹) یا بر اساس مبانی توحیدی هر گونه تصرف و دخالت در نظام هستی، به «اذن» او احتیاج دارد و هیچ کس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسان‌ها را ندارد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۳۷؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۵۵۶؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۲۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۰: ۲/۱۰۰). بنابراین در مورد عمل‌های زیبایی از این جهت شبهه‌ای وجود ندارد.

اما در مورد عمل‌های زیبایی دسته دوم به‌عنوان مقدمه باید گفت ابعاد و جلوه‌های ارتقا مادی و معنوی افراد مختلف است و هر یک از آن‌ها بر دیگری تأثیر می‌گذارد. حال انجام برخی عمل‌های زیبایی، عوارض خاصی ندارد و زیبایی زوجه را تأمین می‌کند با این توضیح که امروزه مفهوم درمان و بازیافتن توانایی‌های انسان از مقوله جسم فراتر رفته و روان انسان را نیز دربر می‌گیرد؛ از این رو به نظر نمی‌رسد اعمال جراحی زیبایی که به‌منظور حفظ تعادل روحی و بهبود روانی فرد انجام می‌گیرد - که گاه نوعی درمان تلقی می‌شود - خلاف شرع باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

زمانی که خصوصیات فیزیکی زوجه بر اساس هنجارها نباشد، ممکن است دچار عسر و حرج شود و جراحی زیبایی را برای اصلاح و بهبود شکل ظاهری عضو به‌عنوان راه حل نهایی در نظر گیرد. شکی نیست که تحمل عیوب مادرزادی یا عارضی باعث ایجاد ضرر روانی در بیمار می‌شود که این از نظر علمی ثابت شده است (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۹۷). بنابراین اگر عیبی در ظاهر فرد وجود داشته باشد که او را در معرض سخره و استهزاء عموم قرار دهد و موجب اضطراب عصبی و روحی شده، به‌نحوی که زندگی را بر وی دشوار و سخت نماید (چنان که برای رهایی از آن دست به خودکشی بزند) در چنین مواردی جراحی زیبایی به جراحی برای معالجه ارتقا می‌یابد و وسیله‌ای برای حفظ سلامتی روحی بیمار می‌باشد (شجاع پوریان، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

در برخی از تحقیقات و پژوهش‌های روان‌شناسی در حیطه جراحی زیبایی این قسم از جراحی‌ها، نقشی بسزا در عزت نفس افراد و کاهش استرس آنان داشته،<sup>۱</sup> اما در هر صورت یافته‌های پژوهش‌های مشابه در باب علل این جراحی‌ها بیانگر غلبه فرهنگ ظاهرگرایانه برای اقدام زنان و کسب پذیرش اجتماعی در این زمینه است.<sup>۲</sup> اما گاهی هرچند زوجه هدفش از انجام جراحی دستیابی به زیبایی است، این جراحی‌ها از زیان و عوارض خالی نیست؛ مثلاً در عمل بزرگ کردن سینه‌ها با تزریق موادی چون سلیکون یا هورمون‌های جنسی و غیره احتمال بروز خطرات زیادی وجود دارد، درحالی که درصد موفقیت چندان چشمگیر نیست (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۱۹۳-۱۹۶). از آنجا که بنابر نظر پذیرفته شده، قوامیت زوج در حدود مصلحت‌اندیشی خانواده و نگرنداری نظام خانواده است، زوج می‌تواند برای انجام این گونه جراحی‌ها به زوجه اذن ندهد و او را از انجام آن‌ها منع نماید و عوامل روانی که زوجه بر اساس آن اقدام به عمل جراحی می‌کند، کافی به نظر نمی‌رسد (همان: ۱۹۷). زیرا همان‌طور که مطرح شد اغلب این جراحی‌ها به جهت اضطراب و نگرانی از عدم پذیرش اجتماعی و نیز چشم و هم‌چشمی انجام می‌شود که اگرچه اعتماد به نفس اولیه را در افراد به وجود می‌آورد، هرگز موجب ایجاد شخصیت در افراد نمی‌گردد. بنابراین آنچه که مهم است در حیطه مصالح خانواده و نظام خانواده است و اطاعت زن از شوهر در همین حیطه پایه‌های زندگی را مستحکم می‌کند. فرمان (وعاشروهن بالمعروف) در قرآن نیز این نکته را تأیید می‌نماید.

نکته دیگر در راستای حفظ کیان خانواده و مصالح، این است که چه‌بسا مرد این‌گونه عمل‌ها را نپسندد و حتی با تغییر ظاهری همسرش -تغییری که ممکن است عوارضی هم برای زوجه به وجود آورد- مخالف باشد، در این صورت، زن موظف است برای حفظ خانواده و ایجاد جاذبه برای همسر از این امور دوری گزیند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۰۶)؛ زیرا مسلم است که زوج و زوجه هنگام عقد نکاح یکدیگر را با چهره و ظاهر حین عقد برای رابطه زناشویی انتخاب

۱. سیده نرجس زمانی؛ مسعود فضیلت‌پور، «تأثیر جراحی زیبایی بینی بر اساس عزت نفس و تصویر منفی فرد از خود»، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره بیستم، شماره ۵، صفحه ۵۰۴-۴۹۲، ۱۳۹۲.  
 ۲. امیر رستگار خالد؛ مهدی کاوه، «زنان و پروژه زیبایی»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، ۴۷۸-۴۵۳.

نموده‌اند، بنابراین چنانچه با انجام جراحی‌های زیبایی تغییر قابل توجهی در ظاهر زوجه رخ دهد که با میل و رغبت زوج ناسازگار باشد، در عمل از مصادیق خسارت معنوی به شمار می‌رود و منافی حق استمتاع است (رضایی، سیدنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۵/۱).

بنابراین جراحی زیبایی زوجه در نظام خانواده اگر جنبه درمانی داشته باشد، نیازی به اذن زوج ندارد و همچنین اگر صرفاً به قصد زیبایی بیشتر باشد - با توجه به اینکه این عمل‌ها فی نفسه اشکالی ندارد - در صورتی که منافاتی با مصالح خانوادگی نباشد، اذن زوج برای انجام این گونه عمل‌ها و بالتبع خروج از منزل برای جراحی زیبایی لازم نیست. استاد مرتضی مطهری با درک این واقعیت می‌گوید که مرد باید در راستای مصلحت خانوادگی مانع خروج زن از منزل باشد نه بیشتر و زن هم باید در راستای این مصلحت برای خروج از منزل رضایت شوهر را کسب نماید (مطهری، ۱۳۵۸: ۸۸). شاید اذن گرفتن از زوج برای خروج از منزل به منظور انجام جراحی‌های زیبایی، تشویق به نوعی همدلی و هماهنگی در نظام خانواده باشد که سنگ اول بنای هر خانواده موفق و سالم است. هماهنگی در نظام خانواده می‌تواند تعادل روحی و روانی را برای تمام اعضا به ارمغان آورد. نتیجه چنین راهکاری استحکام و یکی شدن زوجین از طریق همسو شدن مؤدت تکوینی بنیان خانواده با تشریحی چنین حکیمانه در قالب قوامیت و قانتیت است (دادمرزی، ۱۳۹۳: ۲۴۳): زیرا حاصل ازدواج زن و مرد، رسیدن به آرامش و سکونت، بقای نسل، رفع نیازهای جنسی و تعاون در امور زندگی مشترک است.

زن و مرد در تمام جنبه‌های زندگی باید پشتیبان و حامی یکدیگر باشند تا به آرامش درونی دست یابند. در یک معنا با تشکیل خانواده، زن و مرد باید با یکدیگر همراه و همدل می‌شوند تا کانون خانواده به کانون مهر و محبت تبدیل گردد و این از خصوصیات نظام وار بودن خانواده است (رضائی، سید نژاد، ۱۳۹۵: ۶۲/۱).

گفتنی است تأمین مالی این نوع عمل‌ها - که بیشتر اوقات هنگفت است - و قرار گرفتن یا نگرفتن آن در قالب نفقه همسر، بحث دیگری است که از موضوع این مقاله خارج است.

## نتیجه‌گیری

در مورد لزوم اذن زوج در جراحی‌های زیبایی، قانون مشخصی وجود ندارد و زوجه عاقل و



بالغ بر جسم خویش، مسلط است و می‌تواند هرگونه تصرفی بر آن انجام دهد. از منظر فقهی نیز فقها نفس انجام جراحی زیبایی را جایز دانسته‌اند. در فقه نظام خانواده، اذن زوج در جراحی‌های زیبایی به طور مطلق پذیرفته نیست، بلکه محدوده اذن و قوامیت زوج در چهارچوب مصالح خانوادگی و حفظ کیان خانواده تعریف می‌شود و دامنه آزادی زنان در نظام خانواده تا جایی است که با این حق که در واقع حق تمامی اعضای خانواده است، در تعارض نباشد. این امر موجب استحکام و استواری کانون خانواده می‌شود. جایی که جراحی زیبایی جنبه درمان پیدا کند، اگر زوج بدون هیچ دلیل موجهی مخالفت کند، خلاف شرع و اخلاق نظام خانواده عمل کرده و جزء موارد سوءاستفاده از حق به‌شمار آمده، در نتیجه، حق اذن از وی ساقط می‌شود. گفتنی است زن و شوهر در تمام جنبه‌های زندگی باید حامی و پشتیبان یکدیگر باشند و اذن گرفتن از زوج برای انجام جراحی‌های زیبایی، برای ایجاد وحدت و همکاری در نظام خانواده است؛ زیرا تعامل همسران با یکدیگر در تحقق مودت، رحمت و در نتیجه، موفقیت زندگی نقشی به‌سزا دارد. البته امروزه برخی از زنان جامعه ما با الگوگیری از بازیگران هالیوودی جراحی‌های زیبایی انجام می‌دهند و شبکه‌های ماهواره‌ای هم می‌کوشند در قالب برنامه‌ها و آگهی‌ها، ارزش‌های یک زن را تنها در نمایش زیبایی ظاهر و تجمل‌پرستی و بی‌مبالاتی اخلاقی و غیره به نمایش بگذارند، در نتیجه، ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های دینی و اسلامی در جامعه حاکم می‌شود که موجب فروپاشی و تزلزل نظام خانواده می‌گردد. باید به این نکته توجه داشت که نظام خانواده مهم‌ترین کانون برای تربیت فرزندان است و ثمره تربیت صحیح فرزندان، در اصلاح جنبه فردی منحصر نیست، بلکه جامعه را نیز متحول می‌کند؛ زیرا تحول جامعه، به تحول افراد آن جامعه منوط است و ازهم‌گسیختگی بنیان خانواده، نابودی جامعه را هم در پی خواهد داشت. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود در زمینه ترویج فرهنگ دینی، ارزش‌های اخلاقی و حل تمام مسائل و مشکلات مرتبط با این نهاد پایه و مهم اجتماعی، از سوی پژوهشگران، محققان و رسانه‌های داخلی اهتمام ویژه صورت پذیرد. این امر موجب تداوم حیات نظام خانواده می‌شود؛ زیرا پایه و اساس خانواده سالم و معتدل و رسیدن به هدف‌های والای ازدواج، به‌ویژه تربیت فرزند صالح بر پایه حل مسائل این نهاد بر پایه صفات خداگونه است.

## فهرست منابع

۱. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۱۴.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، مقایس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۴. احمدیه، مریم، «عرف، معرفت، مساوات»، کتاب زنان، شماره ۹، ص ۶۸-۸۴، ۱۳۷۹.
۵. امامی، سیدحسن، حقوق خانواده، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸.
۶. اصفهانی، سیدابوالحسن، وسیلة النجاة، شرح محمدرضا گلپایگانی، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۹۳.
۷. برانی کاردی، چالز، اصول جراحی شوارتز، ترجمه آزار سیف و همکاران. تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۹.
۸. تبریزی، جواد بن علی، استفنات جدید، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۷۸.
۹. تبریزی، جواد بن علی، ارشاد الطالب، قم، دار الصدیقة الشهیده (ع)، ۱۳۸۹.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستا، ۱۳۶۳.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۶.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.
۱۴. حسینی، محمد، عملیات التجمیل الجراحیه و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعة والقانون، الطبعة الاولى، بی‌جا، مرکز ابن ادريس حلی للدراسات الفقهیة، ۲۰۰۸.
۱۵. حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۱۶. حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبته امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشریعة علی المذهب الامامیه، قم، مؤسسه

آل‌البيت، ۱۳۷۸.

۱۸. حکمت‌نیا، محمود و همکاران، فلسفه حقوق خانواده، تهران، مرکز روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۸.
۱۹. حکیم، محسن، منهاج لصالحین المحشى للحکیم، بیروت، دارالتعاريف للمطبوعات، ۱۴۱۰.
۲۰. خمینی رحمته، روح الله، کتاب البیع، تهران، اسماعیلیان، ۱۳۶۳.
۲۱. خمینی رحمته، روح الله، الرسائل، تهران، اسماعیلیان، ۱۴۱۰.
۲۲. خویی، سیدابوالقاسم، موسوعة الامام الخویی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۸.
۲۳. خویی، ابوالقاسم، صراط النجاة (لمحشى خویی)، قم، مکتب نشر منتخب، ۱۴۱۶.
۲۴. خضری، جعفر، كشف الغطاء عن مبهمات الشریعته الغراء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات، ۱۴۲۲.
۲۵. دادمرزی، سیدمهدی، ریاست خانواده در روابط زوجین، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی قریب القرآن، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲.
۲۷. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالکتب العلم، ۱۹۹۰.
۲۸. رضایی، احمد، سید نژاد، سید رضی، سبک زندگی اسلامی، تهران: نشر انقلاب
۲۹. زیعلی، عثمان بن علی، تبیین الحقائق، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۳۰. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم، مکتبته آیه العظمی السید علی الحسینی السیستانی، ۱۴۱۶.
۳۱. شبیری زنجانی، موسوی، کتاب النکاح. تهران، موسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۳۸۱.
۳۲. شجاع پوریان، سیاوش، مسئولیت مدنی ناشی از خطای پزشک، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۳.
۳۳. شجاع پوریان، سیاوش، مسئولیت قراردادی پزشک در برابر بیمار، تهران، انتشارات

- فردوسی، ۱۳۸۹.
۳۴. شنقیطی، محمدبن محمد المختار، احکام الجراحة الطبية، مكتبة الصحابه، جد الشریفه، الثانيه، ۱۴۱۵.
۳۵. شمس الدين، محمدمهدی، مسائل حرجة في فقه المرآة. بيروت: موسسه الدوليه للدرسات والنشر، ۱۹۹۶.
۳۶. صالحی، حمیدرضا، باقری مطلق، نرگس، جراحی زیبایی. فصل نامه حقوق و پزشکی، سال ۵، شماره ۱۸، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۳۸. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل فی احکام بالدلائل، تهران، دارالهدی، ۱۴۱۲.
۳۹. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸: الف.
۴۰. طوسی، ابو جعفرمحمد بن حسن، التهذیب الاحکام، تهران، داراكتب الاسلامیه، ۱۴۰۸: ب.
۴۱. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشرنی، ۱۳۸۳.
۴۲. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة. قم: انتشارات آل البيت، ۱۴۱۴.
۴۳. غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین، حاشیه مکاسب. قم، دارالذخائر، ۱۴۰۸.
۴۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالجبل، ۱۴۱۵.
۴۵. فیومی، احمدبن محمد، مصباح المنیر، بیروت، مکتب العلمیه، ۱۴۱۴.
۴۶. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۱.
۴۷. قرطبی، ابو عبدالله، الجامع الاحکام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
۴۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۷۵.
۴۹. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲.
۵۰. گلپایگانی، محمدرضا، القضاء، قم، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳.

۵۱. گویر، دایال ال، چنگوکوشل، مری، جراحی پلاستیک پرسش و پاسخ‌ها، ترجمه محمود رزاقی، تهران: انتشارات محمود رزاقی، ۱۳۹۱.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۵.
۵۳. مصطفوی، حسن، التحقيق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۴. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۸.
۵۵. مفید، محمدبن محمد، المقنه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم: مدرل امام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۱.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه - کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام
۵۹. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۳۸۱). فقه القضاء. تهران. دانشگاه مفید، ۱۳۸۱.
۶۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، موسسه وفا، ۱۳۵۱.
۶۱. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۶۲. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۶۳. مهریزی، مهدی، «تحلیل تفسیر و فقهی آیه ۲۲۸ سوره بقره»، آموزه‌های فقهی، شماره ۳، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.
۶۴. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۵. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۶۶. نهاوندی، علی، فقه رسانه و ارتباطات، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸.

67. Dantas, E., "La Responsabilite Civile Du Chirurgien Plastique: La Chirurgie Plastique Comme Obligation De Moyen". Available at: [www.eduardodantas.adv.br](http://www.eduardodantas.adv.br). Visited 15 February 2011.
68. <http://www.sistani.org>
69. <http://www.tabrizi.org>
70. <http://www.makarem.ir>
71. <https://noorihamedani.ir>